

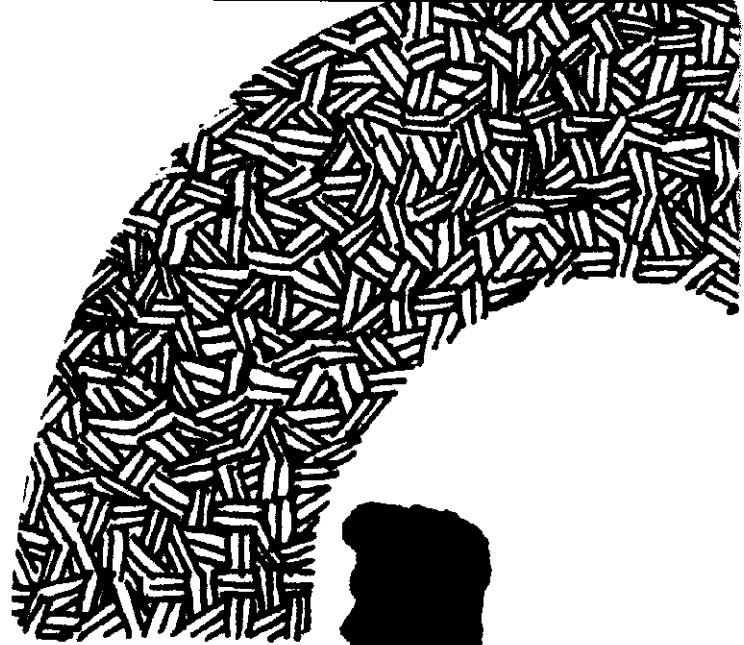
حضور تشریفاتی

وکیل تسخیری

یا حضور حاضروی؟

علی منصوریان

وکیل پایه یک دادگستری



مردم عادی متبادر می گردند این است که وکلای محترم دادگستری چنان چه در پرونده ای به عنوان وکیل تسخیری معرفی گردند آن چنان که نسبت به پرونده های شخصی خود (پرونده هایی که بابت آن حق الوکاله دریافت نموده اند) تعصب نداشته و تمامی هم و غم خویش را جهت دفاع از موکل خود و احقاق حقوق وی معطوف می نمایند، تعصب نداشته و در خصوص دفاع از این متهمان تلاش چشمگیری نمی نمایند که البته صرف نظر از مواردی که واقعاً هم ممکن است چنین اتفاقی روی داده باشد مطمئناً وکلای محترم دادگستری همواره به خاطر خواهند داشت که در ابتدای راه و کالت شرافت خود را وثیقه ی دفاع از حق قرار داده و در این راه نیز می بایست از تمام توان خود استفاده نمایند؛ خواه مبلغی را به عنوان حق الوکاله دریافت کرده یا نکرده باشند؛ چرا که روشن است علت حضور وکلای محترم در پرونده هایی که حضور وکیل تسخیری مطابق قانون الزامی است، به جهت دفاع از حقوق متهمان پرونده بوده و مطمئناً علت دیگری نداشته و نخواهد داشت لکن متأسفانه و متأسفانه گاهی اوقات این برداشت - که فوقاً به آن اشاره گردید - تغییر می یابد؛ به عبارت بهتر این که حضور وکلای تسخیری در اینگونه پرونده ها صرفاً جنبه تشریفاتی داشته و تنها به جهت اجرای قانون می باشد، نه از جانب مردم عادی بلکه از ناحیه وکلا و حتی دادگاه های محترم نیز قوت پیدا می کند. آن جا که وکلای محترم دادگستری بدون توجه به اهمیت قضیه و دقت در فلسفه وجودی تصویب قانون که همانا حمایت و دفاع همه جانبه از حقوق متهمان می باشد تنها اقدام به شرکت در جلسات دادگاه و انجام

بدون شک یکی از مهمترین دغدغه های تمامی جوامع بشری، حکومت ها و به ویژه دستگاه های قانون گذاری و قضایی در کشورهای مختلف ایجاد زمینه ی احقاق حقوق شهروندان و ساکنان آن جوامع و بالتبع ایجاد امنیت و آرامش از طریق وضع و اجرای صحیح قوانین می باشد. در این میان وظیفه تمامی اصحاب قضا اعم از قضات و کارمندان قضایی و اداری، وکلای دادگستری و کانون های وکلا ایجاد زمینه های مناسب در راه اجرای صحیح این قوانین بوده، هست و خواهد بود. از جمله حقوق شهروندان، حق داشتن وکیل تسخیری برای دفاع از آنان در صورت نداشتن توان مالی انعقاد قرارداد با وکلای دادگستری از ناحیه متهم است که قانون گذار شرط داشتن وکیل را در برخی جرایم پیش بینی و حضور وکیل را جهت دفاع از متهم اجباری دانسته است. بنابراین همان گونه ملاحظه می شود قانون گذار به این وظیفه خویش به خوبی آشنا بوده و صرف نظر از این ایراد که چرا صرفاً این جرایم را انتخاب نموده، از طریق تصویب قانون، به وظیفه خود عمل نموده است. حال با تصویب آن، وظیفه اجرای صحیح و درست قانون بر دوش اصحاب قضا نهاده شده است که می بایست آن را به نحو احسن اجرا نمایند. مباحثی که در این مقال بدان پرداخته می شود بررسی تصور جامعه نسبت به وکلای تسخیری و صحت و سقم آن، علت حضور وکلای تسخیری در پرونده ها، وظیفه، نقش و تأثیر آنان در جمع آوری و ارائه ادله مناسب و کافی، دفاع از متهم، اقناع وجدان دادگاه در صدور رأی و از همه مهمتر نحوه برخورد شعبات دادگاه با وکلا در اجرای قانون است. آن چه در ابتدای امر و البته در ذهن



تشریفات مربوطه می نمایند، اگر به فلسفه تصویب قانون و دلیل اصلی حضور در جلسات رسیدگی و معرفی آن ها به دادگاه به عنوان وکیل تسخیری توجه نمایند، یقیناً به نحو بهتری عمل خواهند نمود. مسلماً از جمله وظایف وکلای محترم در چنین پرونده هایی این خواهد بود که:

۱- پیش از جلسه رسیدگی و یا به عبارت بهتر پیش از شروع به دفاع از موکل خویش با مطالعه پرونده ی امر و نیز گفتگو با متهمی که وی به عنوان وکیل او انتخاب گردیده، ضمن اطلاع کامل از موضوع پرونده و اتهام یا اتهامات مطروحه و نیز آشنایی کامل با متهم و تدقیق در صحت و سقم اظهارات موکل، بتواند به نحو شایسته تری از موکل خویش دفاع نماید.

۲- پس از مطلع شدن از موضوع اتهام نسبت به جمع آوری ادله ی متقن و کافی همچنان که در سایر پرونده ها اقدام نموده و متعصبانه برخورد می نماید، اقدام نماید.

۳- وکلای محترم باید بدانند همان مرجعی که (به معنای عام) به آن ها اجازه ی وکالت اعطا نموده (قانون گذار) و چنین حقی را برای ایشان قائل گردیده؛ همان مرجع نیز وظیفه دفاع از این گونه متهمان را به طور رایگان بر عهده آن ها قرار داده است. پس بر آنان است که صرف نظر از وقوع یا عدم وقوع جرم از ناحیه موکل به وی به چشم یک انسان نگاه کرده و از هیچ تلاشی در جهت دفاع از او دریغ ننمایند. بدیهی است وکلای محترم تسخیری در چنین پرونده هایی با فراغ بال و خیالی راحت می توانند به دفاع از موکلین خویش همت گمارند؛ چرا که دیگر شائبه ی خوردن این برچسب، که وکلای دادگستری با گرفتن حق الوکاله از گناهکاران و متهمان دفاع کرده و به اصطلاح در صدد ناحق کردن حق می باشند، وجود نداشته و از این اتهام نیز مبرا می گردند؛ زیرا وظیفه دفاع از این متهم به حکم قانون بر عهده وی قرار داده شده و وی نیز قانوناً و اخلاقاً موظف به دفاع از او می باشد.

۴- وکلای محترم باید بدانند که نقش و عملکرد آنان در اقناع وجدان دادگاه و نهایتاً صدور رأی اهمیت بسیاری دارد. چه بسا که شخصی به اتهامی

بعضی از اتهامات لازم دانسته، نه به خاطر فلسفه وجودی آن که همانا دفاع همه جانبه و مؤثر از حقوق متهمان می باشد؛ چرا که:

۱- با عنایت به تبصره "۱" ماده (۱۸۶) ق آ د ک که تعیین کننده ی جرایمی است که می بایست متهم با وکیل تسخیری در دادگاه حاضر گردد و نیز تبصره "۱" ماده (۲۰) ق.ا.د.ت.د.ع. و امصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ و آیین نامه آن که رسیدگی به این جرایم (قصاص نفس، اعدام، رجم و حبس ابد) را در صلاحیت دادگاه کیفری استان قرار داده است، باید گفت در حال حاضر رسیدگی به این جرایم ابتدائاً در دادگاه کیفری استان به عمل می آید و به عبارت بهتر با عنایت به این که آیین

دادرسی این دادگاه ها (دادگاه کیفری استان) هم چنان همان آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب بوده و تمامی تحقیقات از ابتدا تا انتها (صدور رأی) زیر نظر این دادگاه ها و توسط دادرسرای حوزه قضایی صلاحیت دار به عمل می آید بهتر است که دادگاه های محترم با توجه به الزامی بودن حضور وکیل تسخیری در این جرایم، تمامی مراحل تحقیقات مقدماتی و جلسات را با حضور وکیل تسخیری برگزار نمایند تا حقی از متهم پرونده ضایع نگردد. در حالی که آن چه در عمل دیده می شود این است که در مرحله تحقیقات مقدماتی معمولاً هیچ یک از محاکم مکاتبه ای با کانون های محترم وکلای مربوطه جهت معرفی وکیل تسخیری انجام نداده و صرفاً حضور وکیل تسخیری را در مرحله آخر که آن هم جلسه رسیدگی به پرونده می باشد خواستار می گردند؛ آن هم زمانی که تمامی ادله بر علیه متهم پرونده جمع آوری گردیده و عملاً وکیل مربوطه امکان هیچ گونه دفاعی نداشته و صرفاً می بایست در جلسه مزبور حاضر شده و به بیان کلی دفاع از موکل خویش بپردازد و احياناً هم اگر مشکلی در روند تحقیقات ملاحظه نموده باشد، آن را متذکر گردیده و تقاضای ترتیب اثر دادن به آن را نماید که آن هم معلوم نیست در این مرحله که تمامی ادله بر علیه متهم پرونده جمع آوری گردیده مورد پذیرش واقع گردد یا خیر؟ مضافاً این که ماده (۱۲۸) ق.آ.د.ک نیز حربه ای را در اختیار دادگاه های محترم قرار داده

■ گاهی مشاهده می گردد دادگاه های محترم بدون در نظر گرفتن مضمون وکلای تسخیری در جلسات رسیدگی و دفاع از متهم، در دادنامه های صادره نه تنها هیچ گونه اسمی از وکیل تسخیری و مضمون وی در جلسه رسیدگی نبرده بلکه از بیان دفاعیات وی نیز در آن امتناع می نمایند ■

واهی دستگیر و محاکمه گردیده و از آن جا که توانایی دفاع از خود را نداشته و از طرفی هم ناخواسته وارد گردابی گردیده که صرفاً به جهت درگیر کردن ایشان ایجاد گردیده، پرونده وی تا بدین حد پیشروی کرده و مشارالیه در حال حاضر در مظان اتهام قرار گرفته است. لکن این کار جز با دلسوزی و دقت نظر و بررسی همه جانبه از ناحیه وکلای محترم امکان پذیر نبوده و نخواهد بود؛ چرا که ممکن است دادگاه های محترم نیز به جهت کثرت کار نتوانسته باشند به خوبی به ماهیت اصلی قضیه پی برده و واقعیت را کشف نمایند. اگر هم به واقع جرمی از ناحیه متهم وقوع یافته باشد وکلای محترم می توانند با دفاعیات خود در تعیین میزان مجازات مؤثر واقع گردند. البته جای این گلایه همواره وجود دارد که در غالب موارد، وکلای محترم صرفاً به صورت کاملاً تشریفاتی در جلسه دادگاه حاضر شده و به صورت کلی دفاعیاتی را از ناحیه موکلین خویش انجام داده و پس از مههور شدن نامه کانون به مهر دادگاه و تأیید حضور آنان در جلسه رسیدگی از سوی شعبه مربوطه، بدون هیچ گونه تلاش مضاعف و اقدام مؤثری در جهت دفاع از متهم، دادگاه را ترک می نمایند. از طرف دیگر دادگاه های محترم نیز ممکن است به گونه ای عمل نمایند که این شائبه در ذهن همگان ایجاد گردد که واقعاً حضور وکیل تسخیری حضوری صرفاً تشریفاتی و فقط به جهت اجرای مفاد قانونی است که حضور وکیل را در جلسه رسیدگی به

تا از مداخله ی وکلای اعم از تسخیری یا تعیینی جلوگیری نمایند ولی اجازه دخالت و کیل را صرفاً پس از اتمام مرحله تحقیقات صادر نمایند که البته مانع از حضور و کیل نگردیده ولی اجازه دخالت در روند تحقیقات را از ایشان سلب نموده که در صورت عدم حضور و کیل تسخیری برای متهم، همین حق اندک نیز از او سلب خواهد گردید.

۲- هم چنین دادگاه های محترم باز هم به جهت جلوگیری از ایجاد شائبه ی فوق با استناد به مفهوم مخالف ماده (۴۶) و تبصره ی ماده (۴۷) ق.آ.د.م و به ویژه رأی وحدت رویه شماره ۳۲۲۲ مورخ ۱۳۳۸/۸/۳ می بایست دادنامه صادره را به وکیل تسخیری ابلاغ نمایند تا در صورت لزوم و صلاحدید نسبت به تجدید نظر خواهی از رأی صادره اقدام نماید تا از این جهت نیز حقی از متهم سلب و ضایع نگردد.

در حالی که بعضاً مشاهده می گردد دادگاه های محترم پس از صدور رأی، ابلاغ دادنامه به متهم پرونده را کافی دانسته و از ابلاغ دادنامه وفق مقررات به وکیل خودداری می نمایند که این نیز خود تقویت کننده این شائبه است که حضور وکلای تسخیری صرفاً جنبه تشریفاتی داشته و برای دفاع از متهم نبوده و تنها به جهت اجرای الزامی است که قانون گذار بر عهده دادگاه ها بار نموده است؛ چرا که اگر جلسات رسیدگی به چنین پرونده هایی بدون حضور وکیل دادگستری برگزار گردد به واقع تخلفی است از ناحیه دادگاه ها و می توان به آن اعتراض کرد و آن را تحت پیگیری قرار داد.

۳- گهگاه نیز مشاهده می گردد دادگاه های محترم بدون در نظر گرفتن حضور وکلای تسخیری در جلسات رسیدگی و دفاع از متهم، در دادنامه های صادره نه تنها هیچ گونه اسمی از وکیل تسخیری و حضور وی در جلسه رسیدگی نبوده بلکه از بیان دفاعیات وی نیز در آن امتناع می نمایند؛ در حالی که معمولاً در متن دادنامه ها می بایست علاوه بر ذکر نام و مشخصات وکیل به بیان مهمترین بخش از دفاعیات وی پرداخته و بدین طریق ضمن اعلام حضور وکیل در جلسه رسیدگی صرف نظر از توجه یا عدم توجه دادگاه به دفاعیات و مستندات وی در صدور رأی به نوعی

برای مشارالیه احترام قائل گردیده و شائبه ی بی تفاوت بودن حضور یا عدم حضور وی و به اصطلاح تشریفاتی بودن حضور وی را در اذهان عمومی بر طرف نمایند. حالیه بنابر مراتب معنونه به نظر می رسد که باید بین هدف اصلی قانون گذار از تصویب این قانون (الزامی بودن حضور وکیل تسخیری) و آنچه که در عمل از ناحیه اصحاب قضا یعنی دادگاه های محترم و وکلای دادگستری که این دو بسان دو بال فرشته عدالت بوده و می بایست با کمک و همکاری یکدیگر آن را به سر منزل مقصود رسانیده و با احقاق حقوق افراد موجب امنیت و آرامش بیش از پیش جامعه را فراهم آورند، تفاوت قائل شد؛ زیرا - همانگونه که در مقدمه بیان شد - قانون گذار در جهت حفظ حقوق جامعه به این وظیفه خود عمل نموده لکن در عمل، اجرا کنندگان قانون در اکثر موارد با بی تفاوتی از کنار آن گذشته و به ماهیت و هدف اصلی آن توجه ای ننموده و صرفاً در جهت اجرای دستور قانون گذار و البته به طور صوری اقداماتی را انجام می دهند که به اهم آن فوقاً اشاره گردید. چرا که - همان گونه که گفته شد - در اغلب موارد وکلای محترم دادگستری به علت کثرت پرونده های شخصی خود وقت کافی برای رسیدگی و جمع آوری ادله متقن و قانونی در راستای دفاع از این متهمان نداشته و تنها به دلیل انجام وظیفه قانونی اقدام به شرکت در جلسات رسیدگی و دفاع کلی از موکل خویش می نمایند و به اصطلاح هیچ گونه تلاش مضاعفی در جهت اثبات حقانیت موکل (در صورت وجود) و یا حتی بررسی دقیق اتفاقات حادث شده و نتایج حاصله از آن انجام نمی دهند و در مقابل، دادگاه های محترم نیز به نظر می رسد - همان طور که عنوان گردید - صرفاً جهت پرهیز از عدم اجرای قانون، از وکلای محترم به جهت شرکت در جلسه رسیدگی دعوت نموده و اظهارات آنان را تنها استماع می نمایند؛ بدون این که کوچکترین وقعی به آن نهاده و یا از آن استفاده نمایند. به عبارت بهتر زمانی که در مرحله تحقیقات که تمامی جمع آوری می گردد، اثری از حضور وکیل نیست تا بتواند بر روند تحقیقات احاطه کامل داشته و متذکر گردد، و با حضور یک جلسه ای

در هنگام محاکمه آن هم در شرایطی که با صدور کیفر خواست عملاً امکان هیچ گونه دفاعی از متهم وجود نداشته و نخواهد داشت نمی توان به اجرای صحیح قانون اشاره نمود و مدعی تشریفاتی نبودن حضور وکیل تسخیری گردید؛ زیرا به واقع اگر قرار بود از حضور وکیل تسخیری نتیجه ای به نفع متهم پرونده حاصل گردد همچنان که در سایر پرونده های شخصی رسیدگی در دادگاه های محترم تشکیل گردیده می توان اثرات حضور وکیل را به خوبی مشاهده نمود، مطمئناً می بایست وکیل تسخیری از زمان دستگیری متهم و تشکیل پرونده در جریان تحقیقات مقدماتی قرار گرفته و از موکل خویش دفاع نماید. مضافاً این که همان گونه که اشاره گردید - بعضاً ملاحظه می گردد علی رغم حضور وکیل در جلسه رسیدگی اصولاً هیچ گونه نشانی از وکیل مربوطه و یا شرح دفاعیات وی در دادنامه های صادره به چشم نخورده و واقعاً این تصور می رود که برای دادگاه های محترم نیز حضور یا عدم حضور وکیل تسخیری البته به جهت دفاع از متهم اهمیتی نداشته و اگر هم از وکیل مزبور در جهت شرکت در جلسه رسیدگی دعوت به عمل می آید صرفاً به جهت اجرای حکم قانون و الزامی است که بر دادگاه ها بار گردیده و صد البته پرهیز از پیگیری تخلف دادگاه ها در صورت عدم دعوت از وکیل تسخیری در جلسه رسیدگی به جرایم مورد نظر. این واقعیت زمانی بیشتر به چشم می خورد که دادنامه صادره نیز به وکیل تسخیری ابلاغ نمی گردد و وکیل مربوطه پس از گذشت مدتی هیچ گونه اطلاعی از روند پرونده و یا رأی صادره نداشته و تنها و تنها پس از مراجعه به شعبه مربوطه و یا اجرای احکام می تواند از صدور رأی مطلع شده و احیاناً با زحمت فراوان از دادنامه صادره رونوشتی تهیه نماید. بنابراین باید بیان داشت که بر اصحاب قضاست که با پذیرش حقیقت و روح قانون و پی بردن به هدف اصلی از تصویب آن به واقع وارد بطن قانون گردیده و با تعصب و احساس مسئولیت دو چندان نسبت به بررسی پرونده و رسیدن به حقیقت واقعه همت گماشته و از هیچ کوششی در این زمینه فروگذار ننمایند.